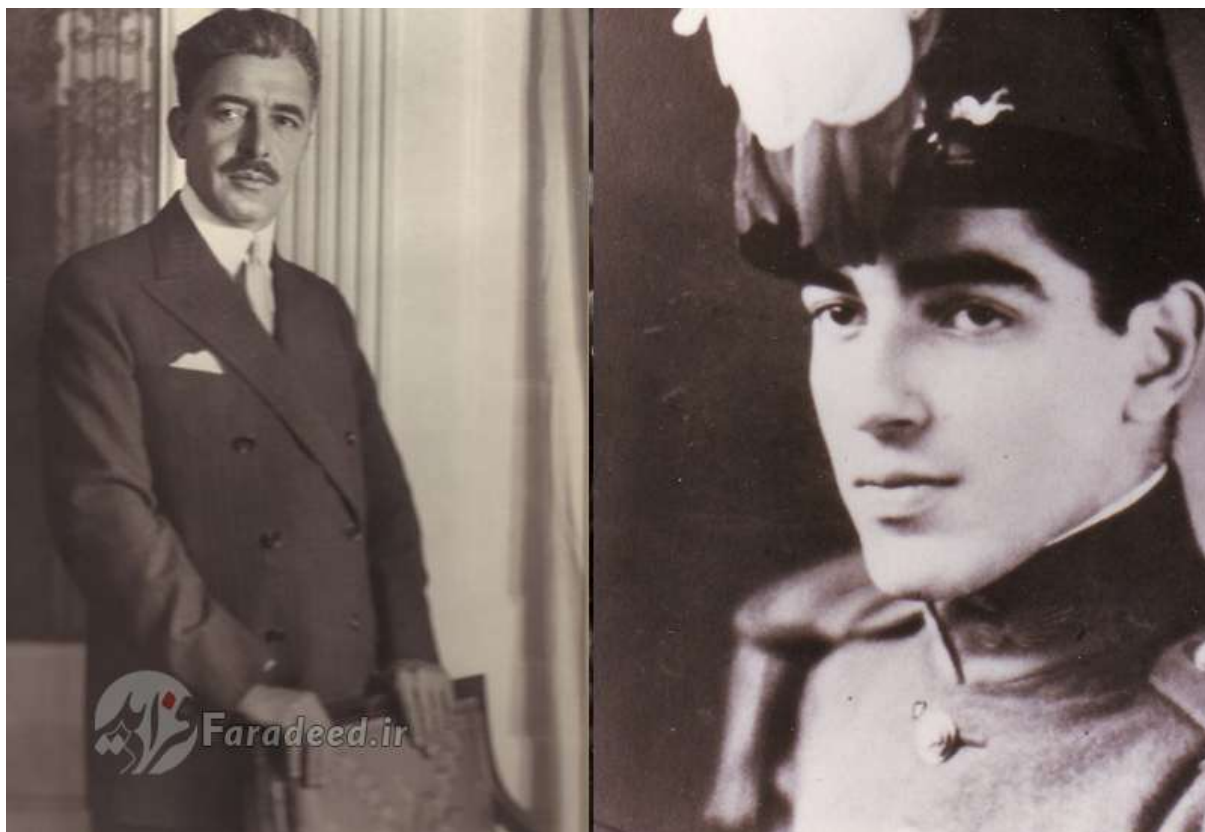


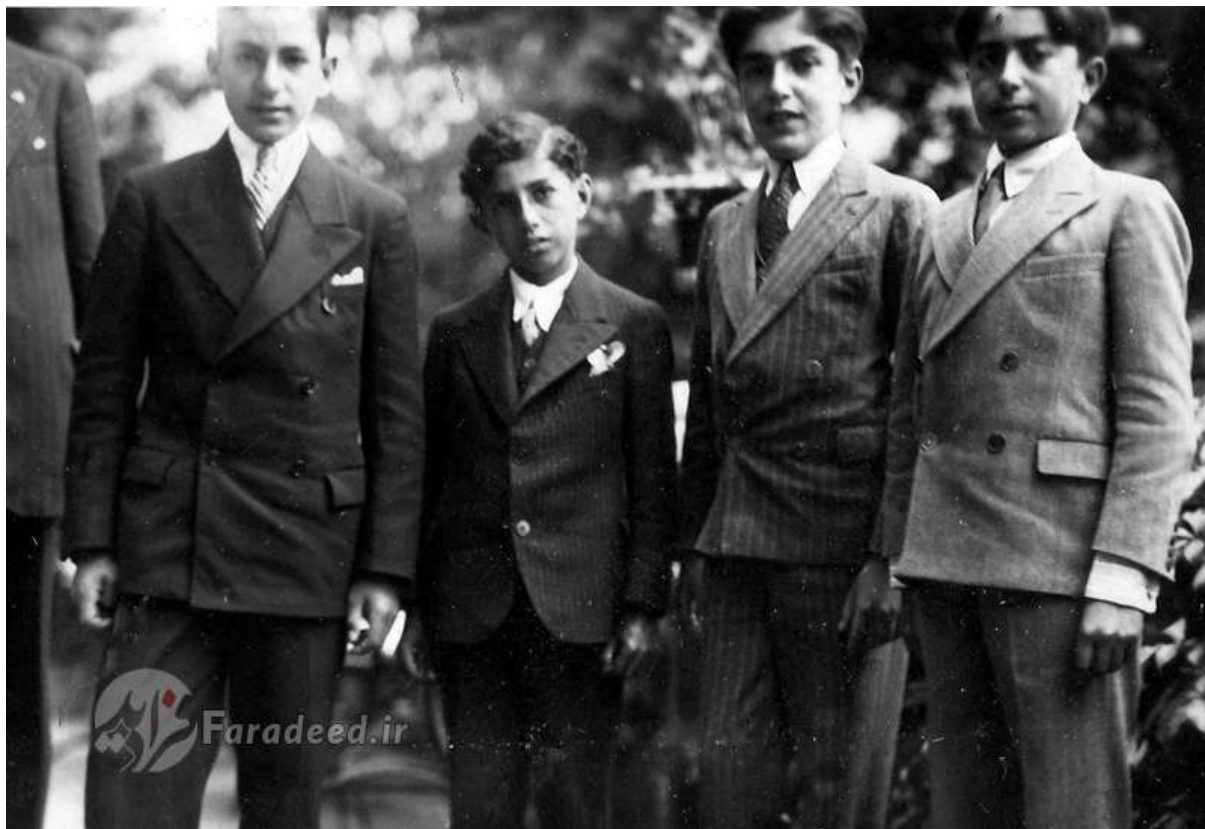
تصاویر / قتل تیمورتاش به دستور رضاشاه



تاریخ سیاسی ایران نام رجال زیادی را در خاطر دارد که هر یک در جلوس یک دیکتاتور به تخت سلطنت نقش آفرین بودند و بعد از تحکیم پایه های سلطنت، خود جزء اولین قربانیان تاج و تخت خود ساخته قرار گرفتند و بدون شک از خیل این رجال نام عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار سال های نخستین سلطنت رضاشاه بیش از سایرین خودنمایی می کند.

وزیر مقتدری که پس از عزل و دو بار محاکمه به اتهام های مالی و تحمل ۹ ماه حبس سرانجام در روز نهم مهر سال ۱۳۱۲ در زندان قصر به قتل رسید، جنازه اش

تا چند ماه در ابن بابویه ماند، بدون اینکه کسی جرات دفن آن را داشته باشد و بعد از چند ماه بدون حضور اعضای خانواده که در این زمان به دستور رضاشاه در تربت حیدریه در تبعید به سر می بردند، بدون سروصدا در امامزاده عبدالله دفن گردید.



پرواضح است که معیار تمایز و برجستگی این خان زاده خراسانی از خیل رجالی که وصف شان در ابتدای بحث رفت، در میزان خدمت فراوان او به کشور نیست، هر چند که نمی توان منکر برخی خدمات او شد. اما اگر این ملاک مدنظر می بود؛ نام میرزا تقی خان امیرکبیر در صدر این رجال قرار می گرفت، لیکن وجود چند فاکتور باعث این خودنمایی می شود.



ورود به مسکو برای مذاکرات ۱۹۲۶

اول شخصیت تقریباً منحصر به فرد تیمورتاش است که در بین رجال سیاسی کمتر می توان سراغ گرفت. فی الواقع شخصیت او جمع اضداد بود و ابعاد مثبت و منفی شخصیت او هر یک در اوج بودند.

من باب مثال تیمورتاش همان قدر که در عیاشی و شهوترانی شهره است، به طوری که دکتر قاسم غنی در خاطرات خود از اعتیاد او به الکل و قمار سخن می گوید و غرایز جنسی تیمورتاش را همه حیات او تلقی می کند و این موضوع را به حدی افراطی می داند که می گوید: «هرکس شکی در مباحث فروید دارد، تیمورتاش مشکلات علمی او را برطرف می سازد.»



سفر تیمورتاش به اروپا

اما در همان مرجع از قول قاسم غنی از تسلط بسیار خوب او بر کارها می شنویم ۱ و در مکاتبات سررابرت کلایو - وزیر مختار انگلیس در ایران - بارها از ساعات کاری زیاد تیمورتاش می شنویم و حتی در جایی کلایو میزان کار شبانه روزی تیمورتاش را در حدی توصیف می کند که یک وزیر اروپایی حتی تصورش را هم نمی تواند بکند و در ادامه می گوید این در حالی است که تیمورتاش منشی مخصوص هم ندارد و تمام نامه هایی را که به من می نویسد یا خودش تایپ می کند یا همسرش و این کارها را هم اغلب در نخستین ساعات بعد از نصف شب انجام می دهد. ۲



اما دومین دلیل زنده ماندن یاد تیمورتاش خونخواهی دختر دردانه اش است. خانم

ایران تیمور تاش که جسارت و فراست را به کمال از پدر ارث برده بود و از زمان قتل پدر در زندان کینه خاندان پهلوی را به دل نشاند و درست هشت سال بعد از مرگ پدر- سال ۱۳۲۰ و اشغال ایران توسط متفقین- که توانست تبعید را پایان دهد، به خونخواهی پدر دست به انتشار روزنامه زد که در آن برخی دست نوشته های پدرش را به چاپ سپرد به سودای یافتن قاتل پدر راهی عراق شد.

پزشک احمدی را در قیافه ای مبدل شناسایی کرد، توانست او را به ایران منتقل کند و به یاری محاکماتی که شاه پسر برای جبران عملکرد پدر ترتیب داده بود، توانست انتقام خود را از او بگیرد و به همین ترتیب تا سال های سال به فکر انتقام از عوامل قتل پدر بود و جالب اینجا است که تا پایان حیات خویش به عکس برخی برادرانش هرگز به خاندان پهلوی روی خوش نشان نداد.



سومین و مهمترین دلیلی که یاد تیمورتاش را نسبت به دیگر رجال سیاسی طیف فوق الذکر برجسته تر نگه می دارد، ابهامی است که در پروسه سقوط او وجود دارد و هنوز روایت واحدی در مورد علت مغضوب شدن تیمورتاش نزد رضاشاه وجود ندارد.



تیمورتاش جوان در دانشکده افسری

گروهی عقیده دارند که تیمورتاش با روس‌ها سر و سری داشته و در این بین گفته‌های بوریس باژانف را مدرک قرار می‌دهند. باژانف یکی از کمونیست‌های وفادار به حزب به شمار می‌رفت که بعد از انقلاب به دنبال ورود به حزب مدارج سیاسی را به سرعت طی کرد و به مشاغل مهمی از جمله دستیاری استالین رسید، اما بعد از آگاهی از سیاست‌های پشت پرده حزب تصمیم به فرار از شوروی گرفت و در سال ۱۹۲۸ از طریق ایران و هندوستان به فرانسه رفته و پناهنده شد و شروع به چاپ خاطراتش به شکل مقالاتی کرد که نهایتاً در سال ۱۹۸۳ خاطرات خود را به صورت کتابی تدوین و منتشر کرد.

او در این کتاب تیمورتاش را جاسوس شوروی معرفی کرده و ادعا دارد که این موضوع را به اطلاع رضاشاه هم رسانیده بوده است.^۳ البته غیر از او آقاببیگ اف نیز در کتاب خود درباره تیمورتاش چنین می‌نویسد: «معتقدم او (تیمورتاش) تنها کسی است که می‌تواند کلیه نظرات سیاسی اقتصادی شوروی را تامین کند.»^۴

به گفته این گروه رضاشاه زمانی که در جریان اینگونه روابط تیمورتاش قرار گرفت او را عزل کرد.

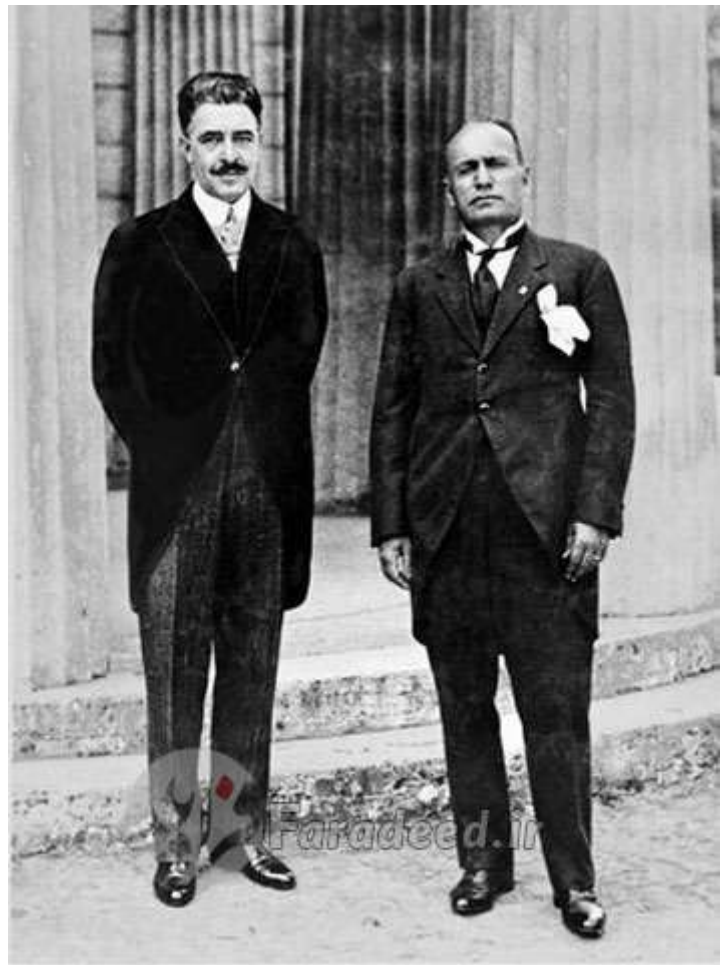


اما روایت دیگر حاکی از آن است که عامل اصلی نگرانی رضاشاه این بوده است که پس از مرگش با وجود شخصیت توانا، مقتدر و بلندپروازی مثل تیمورتاش، ولیعهد شانس برای رسیدن به سلطنت نخواهد داشت و بنابراین آمادگی کنار گذاشتن او را داشته است.

دشمنی گروهی از رجال داخلی و بدگویی های مداوم آیرام (رئیس کل نظمیه) نیز به بدبینی شاه دامن زده و سرانجام باعث سقوط تیمورتاش شده است.

اما روایت سومی هم حکایت از توطئه انگلیسی ها در شکراب کردن رابطه بین شاه و وزیر دربارش دارد. این عده از سرسختی تیمورتاش در برابر خواست های انگلیسی ها در ماجرای تعیین تکلیف امتیاز داری سخن به میان می آورند و اعتقاد دارند که رجال سیاستمدار انگلیسی به وسیله نگاشتن مقاله ای در روزنامه تایمز لندن (که در

آن تعمداً شخصیت سیاسی تیمورتاش در مقابل رضاشاه بزرگ جلوه داده شده بود) ۵ سعی بر برآشتن شاه داشته اند.



عکس یادگاری با موسیلمی

در هر حال بر فرض قبول هر یک از فرض های بالا نتیجه قطعی این است که تمام پروسه سقوط تیمورتاش در آن ۱۳۰ روز که او در خارج از کشور بود شکل گرفت و درست زمانی که در کنار موسولینی، استالین و مارشال هیندنبورگ عکس یادگاری می گرفت در تهران مقدمات سقوط او فراهم می شد و چه بسا اگر به دست تقدیر زندگی سیاسی او تنها هشت سال دیگر دوام می آورد، بعد از جنگ جهانی دوم سرنوشت دیگری برای ایران رقم می خورد.

پی نوشت:

- ۱- یادداشت های دکتر قاسم غنی، زندگی من، ج ۱ صص ۱۵۶ و ۱۵۷
- ۲- صعود و سقوط تیمورتاش، جواد شیخ الاسلامی، (صفحات ۹۵، ۱۳۱ و ۱۳۷)
- ۳- خاطرات بوریس، باژانف، مترجم دکتر عنایت الله رضا، ناشر: شرکت نشر گفتار
- ۴- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، تألیف حسن مرسلوند، ص ۳۲۴
- ۵- روزنامه تایمز شماره نهم ژانویه، ۱۹۳۳، ص ۱۱، ستون اول.

*روزنامه شرق ۱۳۸۴

منبع: فرادید